

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

واسیلی متروخین

مترجم: احمد ضیاء رهگذر

۱۲.۰۳.۰۹

ک . ج . ب . در افغانستان

و اما چهار وزیر به چی سرنوشت سردچار شدند؟

ساعت هشت صبح روز چهاردهم [سیزدهم] سپتمبر کارمند اوپراتیفی [والیری. ی.] سامیونین (اسم رمز: ماکلوی)^۱ که به حیث سکرتر سوم در سفارت شوروی کار میکرد به یک جلسه اضطراری فراخوانده شد.^۲ گلابزوی، وطنجار و سروری اظهار نموده بودند که امین قصد داشته است تا آنها را به قتل برساند. آنها تقاضا داشتند تا این موضوع به اطلاع سفیر شوروی و شخص ب.س. ایوانف (اسم رمز: زورین) رسانیده شود. ساعت یازده قبل از ظهر وطنجار با تره کی صحبت تلفونی مختصری نمود. ساعت ۲ و ۳۰ بعد از ظهر وزرای مذکور توسط موتر به شکل مخفی به اقامتگاه رسمی سامیونین که از سفارت شوروی هفتصد متر فاصله داشت منتقل گردیدند. آنها موتر را در داخل گاراج مخفی نمودند. گلابزوی (اسم رمز: محمد) با این خانه آشنا بود زیرا او بین سالیان ۱۹۷۳ و ۱۹۷۵ جهت اشتراک در جلسات به این خانه میآمد. بنابر هدایت ایوانوف و موافقت شخص سفیر، وزرای مذکور به شکل مخفی به مقر واحد خاص "زینت"^۳ انتقال داده

[Valeri. I] Samunin (Codename: Macloy)

جلسه یا ملاقات اضطراری بین یک افسر استخبارات و یک اجنت به درخواست یکی از طرفین صورت میگیرد. این ملاقات با یک شفر مورد توافق هر دو طرف، برای حل عاجل مسایلی که دفعتاً پیش آمده است، برگزار میشود. ریزیدنت برجسته به شخصی گفته میشود که در یک کشور مورد نظر به صفت ریزیدنت به واسطه سازمان جاسوسی اجیر گرفته میشود. مصارف موصوف از بودجه اوپراتیفی تمویل میشود و وظیفه او کمک به یک عضو یک ریزیدنتی قانونی میباشد. فرد اجیر با در نظر داشتن موقف پوشیده اعضای ریزیدنتی انتخاب میگردد که باید شخص مناسبی باشد. او با خانواده عضو ریزیدنتی یکجا زندگی میکند. با احتیاط لازم از او برای مقاصد اوپراتیفی نیز استفاده میشود. استفاده از پوشش جهت مخفی نگهداشتن هویت شخص و وظیفه رسمی یک افسر سازمان جاسوسی و یا یک اجنت غیرقانونی میباشد. چیزیکه باید مخفی نگهداشته شود عبارت است از موقف، مؤسسه، سازمان و یا هم شرکتی که او در آنجا، در خارج از کشور کار میکند. بدین وسیله او این واقعیت را که با سازمان جاسوسی ارتباط دارد و سرگرم جاسوسی است، مخفی نگهدارد. (مولف).

۳

Zenith

شدند. چهره های آنها تغییر داده شد بروتهای شان تراشیده شده ، یونیفورم سربازان واحد زینت به تن شان شده، برای اقامت شان یک اطاق جداگانه در طبقه بالائی ویلا تعیین گردید.

در این میان امین مدعی بود که پوزانف، پاولوفسکی، ایوانوف و گوریلوف تلاش داشته اند تا او را اغفال نموده بدام بیندازند. به نظر امین سوءقصدی که علیه او صورت گرفته بود یک عمل تروریستی بوده که توسط تره کی و در مشارکت با این باند چهار نفری [وزرا] که اکنون توسط شورویها مخفی گردیده بودند، طرح شده بود.

به نمایندگی "ک.ج.ب" در کابل هدایت داده شد که در مورد محل بود و باش وزرای فراری اظهار بی اطلاعی نماید. همچنان اقدامات دقیقی اتخاذ گردید تا این واقعیت که آنها در ویلای مذکور زندگی میکنند مخفی نگهداشته شود. ریزیدنسی در اینباره چنین نوشت " آمدن وطنجار، گلابزوی، سروری و مزدوریار به تاریخ سیزده ام سپتمبر به سفارت شوروی و بعداً ناپدید شدن سه تن از آنها، امین را سخت نگران ساخته است".

به تاریخ چهاردهم سپتمبر امین در جریان صحبت با پوزانوف، پاولوفسکی، ایوانوف و گوریلوف گفت که تصمیم گرفته شده است این چهار تن به جرم دسیسه سازی برکنار شوند. او همچنان افزود که مزدوریار در منزلش بوده است در حالیکه سه تن دیگر شاید به سفارت شوروی مخفی شده باشند. پوزانوف البته که از این موضوع با قاطعیت انکار نمود.

(در اینجا ۹ سطر حذف گردیده است.)

یک لست مکمل اعضای نظامی "ح.د.خ.ا" که صرفاً تره کی و امین از آن اطلاع داشتند در دفتر محمد داوود در میان سایر اسناد به دست آمده بود. بنابر ملاحظات سروری تعداد زیادی اعضای مخفی نظامی حزب که آماده سهم گیری در انقلاب بودند و به همین دلیل به امین معرفی شده بودند، یا توسط رژیم داوود برکنار گردیدند و یا هم سرکوب شدند. بعداً سروری برای اینکه امین را آزمایش نموده باشد یک تعداد از انقلابیون و کمونیستهای نظامی شاخه پرچم را به او معرفی نمود که به زودی همه آنها دستگیر گردیدند. سروری بعداً این موضوع را کتباً به اطلاع تره کی رساند.

(در اینجا یک سطر حذف گردیده است.)

در تابستان سال ۱۹۷۹ امین با سروری در مورد طرح یک عمل تروریستی علیه پنجشیری و کریم میثاق دو تن از اعضای بیروی سیاسی و کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." صحبت نمود. سروری به امین توضیح داده بود که قتل این دو تن که از فعالان حزب میباشند منجر به پیامدهای نامطلوبی برای حزب خواهد شد. [به عوض قتل این دو تن] بهتر خواهد بود اگر آنها به داشتن ارتباطات مخفی با طاهر بدخشی^۱ رهبر حزب ملیت گرای ستم ملی متهم شوند. بدخشی در این هنگام در زندان بود و این امکان وجود داشت که وی تحت شکنجه به این موضوع که دستگیر پنجشیری و کریم میثاق با سازمان او ارتباطات مخفی داشته اند، اسناد و مدارک ارائه کند. به این ترتیب سروری توانست از قتل پنجشیری و میثاق جلوگیری نماید.

به تاریخ چهارم سپتمبر اگسا از توطئه ای که توسط چهار تن علیه تره کی برنامه ریزی شده بود، پرده برداشت. زمانیکه سروری از این موضوع به امین اطلاع داد نامبرده دستور داد تا این چهار تن دستگیر گردند. اما هیچکدام از اینها یافت شده نتوانست. از این موضوع که باید این چهار تن دستگیر گردند صرف سه نفر یعنی سروری، امین و یک

از جمله مؤسسين "ح.د.خ.ا" که در سال ۱۹۶۸ حزب را بدلیل نفوذ مشهود پشتونها ترک نمود و بعداً در ۱۷ سپتمبر سال ۱۹۷۹ اعدام گردید. (ویرایشگر)

عضو آگسا اطلاع داشتند و بس. سروری اطمینان داشت که این گروه تروریستی توسط امین ایجاد گردیده بود و این امین بود که بعداً آنها را مطلع ساخته از دستگیری شان جلوگیری نمود.

قبل از مواصلت تره کی به کابل از سفر هاوانا، امین با قومندان تخنیک رادار مدافعه هوایی به توافق رسیده بود که طیاره حامل تره کی توسط راکت های ضد هواپیما سقوط داده شود. از این موضوع یک اجنت اطلاع حاصل نمود و بدین وسیله از یک عمل تروریستی جلوگیری به عمل آمد.

مبلغ ششصد و پنجاه دالر امریکایی از جیب نواب، شخصیکه در جریان یک سوءقصد بر علیه سروری به قتل رسید، به دست آمد.

دارائی افرادی که خودشان و یا خویشاوندان شان دستگیر میشدند، توسط آگسا ضبط شده به فروش رسانیده میشد. امین سروری را وادار ساخته بود تا بخشی از این پولها را برای او و برادرزاده اش اسد الله امین بپردازد. جهت فروش این اموال، یک دکان در کابل گشوده شده بود که مفاد آن به جیب امین سرازیر میگردد. همچنان مبلغ چهار میلیون افغانی، هشتصد سکه طلای نیکولایوف روسی و دوازده بکس زیوارت زنانه که از نزد اعضای فامیل روحانی سرشناس، مجددی^۲، به دست آمده بود، نیز به امین سپرده شد. سروری جمعاً مبلغ سیصد میلیون افغانی به امین داده بود. امین از این پولها برای دادن رشوه به قومندانهای قوای مسلح، پولیس و دیگر کارمندان عالیرتبه استفاده نموده بود. به طور مثال امین مبلغ چهارصد هزار افغانی برای محمد نظر قومندان قوای هوایی و بیست و پنج هزار افغانی برای قومندان حمزه [داده بود]

اشیا و اجناس قیمتی مربوط خانواده های محمد ظاهرشاه و محمد داوود نیز به دست امین و نزدیکانش افتاد. در جون سال ۱۹۷۹ پسر امین با یکصد و بیست و هشت کیلو گرام اموال مربوط به خانواده شاه و محمد داوود به شکل مخفی به جاپان سفر نموده در آنجا با مقامات بلند پایه جاپانی و امریکایی ملاقات نمود. همچنان از جمله پنجاه و پنج میلیون و هشتصد هزار افغانی که از طرف شوروی برای ارگانهای استخباراتی افغانستان پرداخته شده بود صرفاً مبلغ بیست و پنج میلیون و هشتصد هزار افغانی به مصرف رسیده بود و متباقی سی میلیون افغانی به حساب بانکی شخصی امین ریختانده شده بود. امین زمانیکه در جمع دوستان نزدیکش میبود با گستاخی و به شکل طعنه آمیزی در باره اتحاد شوروی و رهبران آنکشور صحبت مینمود. او از فرهنگ و تبلیغات امریکائی استفاده مینمود. هر زمانیکه درخواست تره کی مبنی بر اعزام عساکر شوروی به افغانستان توسط دولت شوروی رد میگردد امین خوشی اشرا از دوستان نزدیکش پنهان مینمود. او میدانست که موجودیت عساکر شوروی در افغانستان مانع عملی شدن پلانهای او به خاطر غصب قدرت میگردد.

هرسه وزیر [گلابزوی، وطنجار و سروری] امین را جاسوس امریکا و یک شخص محرک، تروریست، ماجراجو و چپاولگر معرفی نمودند.

معلومات به دست آمده از وزرای مذکور به مسکو به سران کریملین برژنف، اندروپف، گرومیکو، سوسلوف، اوستینوف و چرنینکو^۱ فرستاده شد. ریزیدنسی و نماینده "ک.ج.ب" در کابل اظهار داشتند که "معلومات به دست آمده از گفته های سروری، وطنجار و گلابزوی کاملاً جدید است. این اولین باری بود که چنین معلوماتی به دست

^۲ صبغت الله مجددی روحانی برجسته مسلمان و مؤسس یکی از گروههای مجاهدین بنام جبهه نجات ملی افغانستان. (ویرایشگر)

^۱

کنستانتین اوستینیوویچ چرنینکو، از سال ۱۹۷۱ عضو اصلی کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش، و از سال ۱۹۷۱ عضو بیروی سیاسی و بالاخره از سال ۱۹۸۴ الی زمان مرگش ۱۹۸۵ منشی عمومی "ح.ک.ا.ش." (ویرایشگر)

میآید و ضرورت آنرا ایجاب مینمود تا با دقت در مورد صحت و سقم آن تلاش صورت گیرد. البته اثبات این حرفها امری بود دشوار زیرا این افراد کدام سند و مدرک معتبری را ارائه نتوانستند. (در اینجا تقریباً دو سطر حذف گردیده است) این سه تن همه بر آشفته بوده بالای امین قهر بودند^۲.

به منظور بیرون کشیدن سه وزیر فوق الذکر به شکل غیر قانونی از افغانستان به اتحاد شوروی عملیات (کمان رستم)^۲ سازماندهی گردید. جهت پوشش این عملیات از یک داستان دیگر استفاده شد و آن جابه جایی افراد مربوط به واحد خاص " زینت " بود. وظیفه واحد " زینت " را محافظت از تأسیسات شوروی تشکیل میداد. توضیحات مفصلی درباره وزرای پناهنده از قبل به مسکو فرستاده شده بود تا باشد " علم و خبر " را از قبل آماده نمایند.

به تاریخ هژدهم سپتمبر ده عضو واحد " زینت " مسکو را به قصد بگرام در یک طیاره ایلوشین ۷۶ ترک گفتند. این طیاره حامل دو لاری پوشیده شده بود و یکی از این لاریها کانتینرهای مخصوصی را حمل میکرد.

بخشی از موادیکه توسط این طیاره انتقال داده میشد به شکل پُست دیپلوماتیک گسیل شده بود. همچنان در طیاره مذکور گروه عملیاتی از شعبه (س) بخش استخبارات خارجی "ک.ج.ب." به ریاست م. طالبیوف، ن.س. زورین مترجم، یک متخصص اسناد به نام و.ی. ادریانف از ریاست هفتم "ک.ج.ب." و یک آرایشگر با وسایل ضروری از قبیل سه عدد موی ساختگی، مواد یکبارگی برای گذاشتن موی ساختگی به کار میرود و همچنان موادیکه برای رنگ نمودن موها از سیاه به سرخ مایل به زرد و خرمائی روشن به کار میرود، از برلین آورده شده بود.

یک طیاره انتونوف از فرغانه پرواز نموده با این طیاره یکجا به بگرام آمد.

نماینده "ک.ج.ب." و ریزیدنسی یک گروه اوپراتیوی را تشکیل نموده بود که در آن س.گ. بختورین و ب.ن. کینوف حضور داشتند. آنها از طرز اجرای عملیات " کمان رستم " آگاهی داشتند. همراه با آنها ی.د. ایوانوف و آ.ی. دادیکین^۱ که از نحوه عملیات آگاهی نداشتند نیز شامل این گروه بودند. آنها وظیفه داشتند تا امنیت راه را از بگرام الی کابل در جریان عملیات "کمان رستم" تأمین کنند. این گروه توسط چهار عضو " زینت " که تحت فرمان ن.س. سورکوف^۲ قومندان آن بخش قرار داشتند حمایت میشدند. مسئولیت مستقیم این عملیات را شخص ل.پ. بودگانف به عهده داشت و در صورت ضرورت باید ب.س. ایوانوف نیز در امر رهبری عملیات دخیل ساخته میشد. برنامه عملیات " کمان رستم " به شکل ذیل طرح شده بود:

۲

Raduga

written portrait

علم و خیر عبارت است از معلومات مفصل درباره چگونگی ظاهر شخص، مثل جنسیت، تابعیت، نژاد، سن، قد، ساختمان وجود همراه با تفصیلات آناتومیک از قبیل شکل سر، چهره و چشمها، عادات و صفات ویژه، طرز راه رفتن، اشاره نمودن و تکان دادن سر و دست، صدا، قیافه معمولی و عادی شخص، طرز پوشیدن لباس، کلاه و بوت. به علاوه اینها معلومات درباره لباس شخص، نوعیت، شکل و رنگ آن، اثاثیه ای که شخص عادت دارد با خود حمل نماید مثل چتری، بکس دستی و عصا. همچنان علایم فارقه از قبیل آثار زخم در وجود، داشتن خال و سایر نشانهها نیز شامل میباشد. علم و خبرمدرکی مهمی است برای مراقبت، جستجو و شناخت افراد. در واقعیت این یک مجموعه از مواد و مدارک تخنیکی است که برای تغییر قیافه دادن یک اجنت یا یک کارمند اداره استخباراتی در زمان اجرای عملیات اوپراتیوی، به کار میرود. توسط علم و خبر میتوان ظاهر اشخاص را با لباسهای مختلف، پاپوشهای مختلف، اثاثیه منزل و لوازم ورزشی تغییر داد. کارمندان استخبارات میتوانند به وسیله ابزار مختلف که در اختیار شان قرار داده شده است در نقشهای مختلف مانند مامور در یک اداره و شرکت و یا یک مؤسسه صنعتی ظاهر شود. اداره استخبارات تجهیزات خاص برای کارمندان زن و مرد در اختیار داشت. کلاه ها و بکسها همه در خارج تولید شده و برای تجهیز اجنتها که به صورت غیر قانونی برای اجرای وظایف به خارج فرستاده میشدند، مورد استفاده قرار میگرفت. (مولف)

۱

S.G. Bskhturin, B.N. Kabanov, Yu. D.Ivanov, A.I. Dadykin.

۲

N.A. Surkov.

اول : قبل از رسیدن طیاره به بگرام باید گروه اوپراتیوی از کابل به طرف بگرام حرکت میکرد. همچنان در بگرام باید یک موتر و یک عراده بس مربوط سفارت که راننده آن عضو ریزیدنسی بود همراه با یک لاری و جیب گاز ۶۹ نیز موجود میبود. بعد از اینکه مسافرین و لاریها از طیاره خارج شده بودند باید لاریها به صوب کابل تحت نظر کبانوف حرکت داده میشدند. ایوانوف و دادیکین مسؤولیت داشتند تا مواظب باشند که لاریها از پُسته های امنیتی به شکل سالم عبور نمایند.

دوم :

محموله موترها در کابل در ویلای مربوط " زینت" تخلیه شده در مقابل " کمان رستم " [سه وزیر] باید بارگیری میشد. اما مقدم بر اینها باید شخص آرایشگر دست به کار شده و چهره های گلابزوی، وطنجار و سروری را آنطوری که تقاضا شده بود تغییر میداد.

قبل از اینکه وزراء به لاری انتقال داده شوند سورکوف یکبار دیگر جریان عملیات را با یک سرباز " زینت " تمرین مینمود. بعداً وزراء با قیافه های بدل به داخل موتر انتقال داده شده کاروان جانب بگرام به راه میافتاد. در آغاز کاروان موتر کبانوف و به تعقیب آن لاری حامل " کمان رستم " بعداً بس حامل سربازان " زینت " که دوران خدمتشان به پایان رسیده بود و در اخیر گاز ۶۹ که قسماً پوشانیده شده بود قرار میداشت. از آنجائیکه کابل شدیداً تحت مراقبت قرار داشت برای عبور کاروان مسیری دیگری انتخاب شده بود.

در فاصله بین کابل و اولین پُسته امنیتی یک موتر دیگر با این کاروان اضافه میگردید و آن موتر مشاور نظامی شوروی در پایگاه بگرام بود. منظور از اینکار اینبود که تا اطمینان حاصل گردد که کاروان بدون مانع از پُسته امنیتی عبور نماید.

بعد از عبور کاروان از پُسته امنیتی بگرام، الی رسیدن آن به طیاره مسؤولیت امینت کاروان به عهده بختورین و دادیکین گذاشته شده بود. سفارت شوروی قبلاً ذریعه مشاورین نظامی از قومندانان پایگاه هوایی بگرام درخواست نموده بود که با سربازانیکه دوران خدمت شان در افغانستان بپایان رسیده است و روانه شوروی هستند همکاری نموده آنان را در میدان هوایی اجازه ورود داده و در قسمت انتقال کالاهای شان نیز کمک نمایند.

سوم : در قدم اول موتر حامل " کمان رستم " [موتر حامل وطنجار، سروری و گلابزوی] باید به داخل طیاره انتقال داده میشد آنهم بدون اینکه تخلیه شود. به تعقیب آن سربازان مربوط واحد " زینت " به طیاره سوار میشدند.

چهارم : سربازان واحد " زینت" باید با خود پاسپورتهای شانرا مزین با ویژه خروجی افغانستان داشته باشند.

به کارمندان اوپراتیوی پاسپورتهای دیپلماتیک و اعتبارنامه های ویژه توسط صدراعظم " ج.د.ا. " صادر شده بود.

برای اجرای این عملیات یک برنامه دقیق از ابتدا الی پایان آن آماده شده بود.

ریزیدنسی برای سروری یک کانتینر مخصوص مجهز با همه وسایل ضروری را تدارک دیده بود. این کانتینر توسط " ک.ج.ب" طوری ساخته شده بود که دسترسی به تمام حصص آن ناممکن بود. چهار تانکر اکسیجن که برای شش ساعت کفایت میکرد نیز در این کانتینر جاسازی شده بود.

برای گلابزوی و وطنجار پاسپورتهای شوروی داده شده آنها در جمع سربازان " زینت " شمرده شده بودند.

عملیات " کمان رستم" بالاخره بعد از تدابیر شدید و آماده گیهای زیاد در جهت منحرف ساختن توجه دولت افغانستان، بتاریخ نهم سپتمبر اجرا گردیده وزرای مذکور به تاشکند انتقال داده شدند. تعدادی زیادی از بابت سهمگیری شان

در این عملیات مورد نوازش رئیس "ک.ج.ب" قرار گرفته مکافات به دست آوردند و موفقیت عملیات برایشان تبریک گفته شد^۱

مهمانان [وزرای فراری] در یک خانه جدا دو طبقه، احاطه شده با دیوارهای بلند که مربوط حزب کمونیست ازبکستان بود در کوچه لوناچارسکی^۲ مسکن گزین گردیدند. این خانه با وسایل استراق سمع مجهز بود که از نزده سپتمبر الی چهارده اکتوبر مورد استفاده قرار داشت. جمعاً بتعداد نود و دو کست توسط دستگاه استراق سمع ثبت گردیده بود.

به تاریخ نهم سپتمبر معاون ریاست هشتم بخش استخبارات خارجی "ک.ج.ب." ی.ی. ایرشوف و یک افسر از شعبه سوم مدیریت (ک) ی.ل. کوختا^۳ که در دوران مدت ماموریت شان در کابل با وزرای مذکور کار نموده بودند، به تاشکند پرواز نمودند. هدف از آمدن آنها گفتگو با مهمانها [گلابزوی، وطنجار و سروری] بود.

در بیست و پنجم سپتمبر معاون رئیس بخش استخبارات خارجی "ک.ج.ب." ی.پ. میدیانیک^۴ به سوفیا سفر نمود تا با مقامات کشور بلغاریا در مورد دادن پناهندگی مخفی به وزرای افغان گفتگو نماید. در صورتیکه بلغاریاییها این پرسش را که چرا شوروی به افراد مذکور در خاک خود پناهندگی نمیدهد مطرح میکردند باید نامبرده اظهار مینمود که بنابر روابط ویژه ای که بین شوروی و افغانستان موجود است کشورش قادر به اینکار نیست. و در صورت مطرح شدن موضوع هزینه نگهداری آنها، باید به بلغاریائی ها گفته میشد که شوروی حاضر است تا تمام مخارج بود و باش آنها را به عهده خود بگیرد.

در بیست و هفتم سپتمبر میدیانیک با نماینده "ک.ج.ب" در سوفیا پ.ت. ساوچینکو و معاون او .ل.ی. پستوخوف^۱ با مقامات بلغاریائی ملاقات نمودند. [اسمها و چهار سطر حذف شده است].

به افغانها یک ویلای مجهز با وسایل مخصوص که در فاصله صد کیلومتری (ورنا) در محله (شومن)^۲ قرار داشت اختصاص داده شد. در این ملاقات موضوع هزینه اقامت افغانها و دیگر مسایل مطرح نگردید. وزرای افغان در مشایعت با یرشوف و کوختا به تاریخ چهاردهم اکتوبر ذریعه طیاره (توپولوف - تو ۱۳۴) از تاشکند به صوب سوفیا پرواز نمودند.

میخواهم این بخش را با ذکر این مطلب بیپایان برسانم که وزرای فوق الذکر توسط موتر سروری به ریزیدنسی مخفی "ک.ج.ب." در کابل آمده بودند. زمانیکه موتر مذکور تلاشی گردید از آن مبلغ چهار میلیون و دوصدویست

۱
اعضای "ک.ج.ب" که در این عملیات سهم داشتند عبارت بودند از :
V.A.Chuchukin, B.N. Bakhtirin, A.N. Surkov, Dadykin, Ivanov, Chepurony.
اشخاصیکه در دور دوم این عملیات سهم بودند عبارت بودند از
Osadchy, Samudin, Karpov, Tikhonov
مسئولیت این عملیات را بودگانف به عهده داشت. به همه اینها از طرف رئیس "ک.ج.ب" تحایف توزیع شده موفقیت شان تبریک گفته شد.
(مolf).

Lunacharsky

I. I. Ersov & Y.L. Kukhta

Y.P. Medyanik

۱

P.T.Savchenko, L.I.Pastukhov

۲

Varna in the area of Shumen

هزار افغانی و پنجاه و سه هزار و نه صد و پنجاه دالر امریکائی به دست آمد. هر سه وزیر از موجودیت پول در موتر اظهار بی اطلاعی کردند و گفتند که پولها از آنها نمیباشد. به این ترتیب این پولها بی صاحب باقی ماند. ریزیدنسی به این باور بود که پولهای مذکور توسط سروری از بودجه اگسا گرفته شده بود. قول معروف است که میگوید هیچکس خود را مقصر نمیداند و این خود شخص دزد است که با آواز بلند داد میزند دزد را بگیرید. به هر حال دالر ها به مسکو فرستاده شد و پول افغانی شامل بودجه مصرفی سال ۱۹۷۹ ریزیدنسی ساخته شد. مصارف ریزیدنسی در کابل (به حساب روبل) در سال ۱۹۷۸ مبلغ ۱۱۱,۶۰۰ ، در سال ۱۹۷۹ مبلغ ۱۱۵,۶۰۰ و بالاخره در سال ۱۹۸۰ مبلغ ۱۲۶,۰۰۰ بود. البته این مصارف بدون مخارج نمایندگی "ک.ج.ب."، لاینهای ان و ان.تی. آر و مصارف شعبات شانزدهم و نوزدهم و بدون پول خرید موتر های جدید میباشد.